

## ارجاع ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر به فقه کیفری؛ تحدید یا توسعه سیاست کیفری سخت گیرانه

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

سعید صانعی<sup>۱</sup>

سید حسین حسینی<sup>۲</sup>

سید مهدی سیدزاده تانی<sup>۳</sup>

### چکیده

با تصویب ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ و در حکم افساد فی الارض قرار دادن بعضی از جرایم مواد مخدر، دگرگونی مهمی در زمینه مجازات اعدام در خصوص این نوع جرایم ایجاد شد. این تغییر که به قصد حذف و کاهش اعدام انجام گردید نوعی مصلحت‌گرایی در پذیرش تأسیس مشکوک فقهی افساد فی الارض بوده که ضمن تغییر گستره سیاست کیفری سخت‌گیرانه، ابهامات و چالش‌هایی را به دنبال داشته است؛ نخست اینکه قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی در اکثر موارد خواسته یا ناخواسته علی‌رغم ادعای کاهش مجازات اعدام، در عمل دامنه سیاست کیفری سخت‌گیرانه و اعدام را توسعه داده است. دوم آنکه مقنن قلمرو جرم افساد فی الارض را که یک جرم حدی است گسترش بخشیده که این نیز با قواعد فقهی درء و احتیاط در دماء همخوانی ندارد و به نوعی لغو کیفر اعدام را از نظر حقوقی دشوارتر ساخته است. سوم، به نظر می‌رسد شمول حکم افساد فی الارض بر تمام بندهای ماده ۴۵ الحاقی صحیح نیست و تنها در حالتی که فعالیت متهم در امر توزیع و فروش مواد مخدر به صورت گسترده بوده و به فساد در جامعه منتهی شده باشد، این انطباق قابل توجیه است.

**واژگان کلیدی:** افساد فی الارض، سیاست کیفری، ماده ۴۵ الحاقی، مجازات اعدام، مواد مخدر.

saedsaneif64@yahoo.com

shosseini@ferdowsi.um.ac.ir

seidzadeh@um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

## مقدمه

امروزه معضل مواد مخدر یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب شده و چگونگی برخورد با این پدیده، یک بحث جهانی است. چون پاسخ‌انگاری این جرایم، خواه کیفرگذاری (تقنینی) و خواه کیفرگزینی (قضایی)، در توسعه و تحدید مجازات بسیار مؤثر است و در ظهور مجدد آن جرم یا جرایم وابسته به آن، نقش بسزایی دارد. اعدام، یکی از مهم‌ترین پاسخ‌هایی است که همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری بوده و به‌عنوان پاسخی ساده در قبال پدیده پیچیده مواد مخدر در نظر گرفته شده است.<sup>۴</sup> استدلال مشترک تمام کشورهایی که از مجازات اعدام استفاده می‌کنند، ایجاد بازدارندگی آن است.<sup>۵</sup> اعمال مجازات اعدام نه فقط مرتکب را از تکرار جرم باز می‌دارد، بلکه موجب می‌شود دیگران نیز به سمت ارتکاب جرم پیش نروند. با وجود این، صدور و اجرای حکم مجازات اعدام همواره با انتقادهای فراوانی مواجه بوده است؛ از یک سو، مجازات اعدام پدیده‌ای غیرقابل جبران است و سبب آسیب‌های مختلف بر خانواده محکومان می‌شود و از سوی دیگر، هیچ دلیل علمی مبنی بر اینکه اعدام بتواند به‌تنهایی از ارتکاب جرم جلوگیری نماید وجود ندارد؛<sup>۶</sup> بدین لحاظ اکثر کشورهای جهان سعی داشته‌اند مجازات اعدام را از سیاهه مجازات کشورشان حذف نمایند.

در ایران که قوانین کیفری متأثر از نفوذ آموزه‌های فقهی است همواره پذیرش یا حذف مجازات اعدام در حوزه کیفری جرایم مواد مخدر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مورد اختلاف فقه و قانون بوده است.<sup>۷</sup> چون صرف‌نظر از رویکردهای فقهی متفاوتی که در زمینه پذیرش یا عدم پذیرش مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری وجود دارد در خصوص ماهیت این مجازات که حد است یا تعزیر یا مجازات بازدارنده،

4. Hasan, Toghraanegar, *La politique criminelle iranienne a l'epreuve du crime organize,; L'exemple du trafic de drogue*, (Editions Universitaires Europeennes, First Editon, 2015), p. 487.

5. Amnesty International, *Dead sentences and Executions 2016*, (London, United kingdom, 2017), p. 5.

6. Hai, Thanh Luong, "Why Vietnam continues to impose the death penalty for drug offences: A narrative commentary", *International Journal of Drug Policy*, (2021), p. 6.

۷. محسن، برهانی، «انعطاف‌پذیری فقه و نظام کیفری عرفی»، همایش بین‌المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق، تهران، (۱۳۹۷)، ص ۶۰.

اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. شاید وجود این اختلافات سبب گردید که تا قبل از تصویب ماده ۴۵ الحاقی در سال ۱۳۹۶ هیچ‌یک از قوانینی که در جرایم مواد مخدر اعدام را پیش‌بینی نموده بود از صافی شورای نگهبان عبور نکرد، بلکه مانند لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین مصوب شورای انقلاب و یا همچون قوانین مبارزه با مواد مخدر در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶، از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت.<sup>۸</sup>

در کشور ما سال‌ها این رویکرد سخت‌گیرانه بدون تبعیت از یک راهبرد منسجم علمی در جریان بود. به تدریج، با فاصله گرفتن از فضای انقلاب و جنگ و گذار نسل‌ها، احساسات جمعی در قبال ارزش‌های نظام ملایم‌تر شد، به‌گونه‌ای که استفاده از کیفرهای شدید همچون اعدام و اجرای آنها به صورت علنی سبب انزجار و بدبینی نسبت به اجراکنندگان گردید.<sup>۹</sup> در واقع، این احساس انزجار نشانه‌ای از تحول در ذهنیت‌ها و ارزش‌های موردنظر مردم بود؛ گاهی مردم با برخی از مجرمان مواد مخدر همزادپنداری می‌کردند، به‌صورتی که سبب شد در روند تعیین مجازات اعدام و نحوه اجرای آن تغییراتی صورت گیرد. حتی اکثر قضات هم سعی می‌کردند با تفسیرهای موسع به نفع متهمان، قانون را به نحوی اجرا نمایند که متهمان از مجازات اعدام خلاصی یابند. نتیجه این اقدام، طرد تدریجی سیاست کیفری تقنینی و یا تعطیلی آن را به دنبال داشته است. به‌غیر از این زمینه‌ها، عوامل دیگری همچون الزامات حقوق بشری، عدم کارایی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر و... سبب شد مقاومت سیاست‌گذاران کیفری در مقابل این روند سخت‌گیرانه تا حدودی کاهش یابد تا زمینه برای اصلاحات قانون در سال ۱۳۹۶ فراهم آید.

ماده ۴۵ الحاقی که با هدف تحدید گستره مجازات اعدام و سیاست کیفری سخت‌گیرانه به تصویب رسید، مرتکبان بعضی از جرایم مواد مخدر را در حکم مفسد فی الارض قرار داد و بدین ترتیب به این دسته از جرایم عنوان حدی داده، اعدام را دارای مبنای شرعی نمود.

۸. محمدرضا، حدادزاده نیری، تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۷، ص ۶۰.

۹. محسن، رهامی، «تحول و تعدیل مجازات‌ها در نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران»، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۴ (۱۳۸۲)، ص ۱۶.

هرچند تلاش مقنن در این اصلاحیه، در تعیین ماهیت مجازات و شرایط جرم تلاشی درخور توجه بود، اما این اقدام سبب بروز یکسری چالش‌ها و ابهامات جدید گردید؛ در حقوق کیفری ایران قلمرو جرم افساد فی‌الارض و مصادیقش چندان روشن نیست؛ بنابراین، حقوق‌دانان می‌بایست برای دستیابی به تعریف دقیق این عنوان به منابع فقهی مراجعه نمایند که در این مراجعه، مشکل نمود بیشتری پیدا می‌کند چون ملاحظه می‌شود عنوان افساد فی‌الارض مستندات فقهی کافی ندارد<sup>۱۰</sup> و اکثر فقهای شیعه بر مبنای آیه ۳۲ سوره مائده معتقدند افساد فی‌الارض، معطوف به محاربه است و جرم مستقلی شمرده نمی‌شود.<sup>۱۱</sup>

با وجود این ابهامات، در اهمیت موضوع همین بس که چنانچه شرایط ماده ۴۵ الحاقی احراز گردد و شخص مفسد فی‌الارض محسوب شود، مجازات شدید و غیرقابل برگشت اعدام مورد حکم قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، گسترش قاچاق مواد مخدر، بالا رفتن آمار معتادان جامعه به‌خصوص در قشر جوانان، و نبود شواهدی مبنی بر آنکه سیاست‌های اتخاذشده مؤثر بوده، نگرانی‌هایی را در خصوص عدم پاسخگویی سیاست‌های اعمال‌شده به‌وجود آورده است. از همین رو، اهداف این سیاست کیفری و چالش‌هایی پیش روی آن هستند و نیاز به اصلاح جدی دارند بایستی شناسایی شوند که این امور نیاز به ارزیابی دقیق از سوی کارشناسان دارد. بدین‌سان، ضروری است نوآوری‌ها و ابهامات ماده یادشده با قانون‌گذاری‌های پیشین مقایسه شده، بررسی گردد آیا این ماده الحاقی گستره اعدام و سیاست کیفری سخت‌گیرانه را محدود نموده است؟ آیا از دیدگاه فقه همانند قانون، حد افساد فی‌الارض به صورت مستقل از سوی شارع تشریح گردیده است؟ آیا تمامی آثار و احکام جرم مفسد فی‌الارض با فرض پذیرش این حکم فقهی، به این جرایم تعمیم داده می‌شود و یا صرفاً مجازات جرم یادشده به آنها تسری پیدا می‌کند؟ در این پژوهش سعی شده با شیوه توصیفی-تحلیلی، ضمن تبیین چالش‌ها و ابهام‌های فقهی و قانونی ماده ۴۵ الحاقی، جلوه‌های توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه آن نیز مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

۱۰. سید محمدرضا، موسوی گلپایگانی، *الدر المنضود فی احکام الحدود*، (قم: انتشارات دارالقران الکریم، ۱۴۱۵)، ص ۳۱۶؛

محمدحسن، نجفی، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۳، (بیروت: انتشارات دار الحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳)، ص ۶۲.

۱۱. سید محمود، هاشمی شاهرودی، *محارب کیست و محاربه چیست در بایسته‌های فقه جزا*، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷)، ص

۱۴۱؛ حسن، پوربافرانی، «تحلیل جرم محاربه»، *مطالعات حقوقی معاصر*، ش ۴ (۱۳۹۱)، ص ۴۹.

## ۱. چالش‌ها و ابهام‌های فقهی ماده ۴۵ الحاقی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام حقوقی ایران بر مبنای یک نظام مبتنی بر شرع تدوین شد و تلاش‌های بسیاری در جهت تطبیق مفاهیم و نهادهای فقهی با قوانین کشور صورت گرفت، اما در بعضی موارد این انطباق مبتنی بر مطالعات دقیق نبود؛ برای مثال، هرگاه قانون‌گذار با مشکل تعیین کیفر اعدام روبرو شده، از بعضی مفهومی‌های اختلافی همانند افساد فی الارض استفاده کرده است. در مورد اعدام در جرایم مواد مخدر، آیت‌الله موسوی اردبیلی در سال ۱۳۶۶ از امام خمینی این‌چنین استفتا می‌کند: با توجه به اینکه نظر فقهی حضرت‌عالی اعدام شخص مفسد نیست، آیا شورای عالی قضایی اجازه دارد بر اساس نظر آیت‌الله منتظری که اعدام مفسد فی الارض را جایز می‌داند عمل کند؟ و امام خمینی این اجازه را صادر می‌فرماید<sup>۱۲</sup>. ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر هم که در سال ۱۳۹۶ از سوی مجلس به تصویب رسید و در شورای نگهبان تأیید شد، در واقع تلاشی برای انطباق مجازات اعدام با شرع یا دست‌کم عدم مغایرت آن با شرع است. البته این رویکرد نه تنها نتوانسته این ایرادات را برطرف نماید، بلکه بر دامنه چالش‌ها و ابهامات فقهی افزوده است.

### ۱.۱. مبانی فقهی ضعیف جرم‌انگاری افساد فی الارض در جرایم مواد مخدر

از مهم‌ترین انتقاداتی که همواره در خصوص تعیین مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر از سوی حامیان اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مطرح شده، ابهام‌های شرعی ناظر بر مفسد قلمداد نمودن محکومان این جرایم بوده است؛ عنوان افساد فی الارض به‌طور مستقل در هیچ‌یک از کتب فقهی نیامده و مجازات اعدام به‌تنهایی برای آن تعیین نشده است<sup>۱۳</sup>. حتی بیشتر فقها مبحث افساد را در قسمت ملحقات کتاب حدود بیان نموده و به‌نوعی در عمل آن را از مبحث جدا کرده‌اند<sup>۱۴</sup>. از سوی دیگر، اکثریت قاطع فقهای

۱۲. روح‌الله، موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸)، ص ۳۹۷.

۱۳. مسعود، حیدری و سید محمود میرخلیلی، «مبانی فقهی مدیریت خطر در مقابله با بزهکاری»، پژوهش‌های فقهی، ش ۱ (۱۳۹۷)، ص ۴۴.

۱۴. محمدبن نعمان، شیخ مفید، المقنعه، (قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۱)، ص ۸۱۰؛ ابوجعفر محمدبن حسن بن علی بن حسن، طوسی، النهایه، (قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۵)، ص ۷۱۵.

امامیه معتقدند عنوان مجرمانهٔ افساد فی الارض مستقل از محاربه نیست<sup>۱۵</sup>؛ منظور از محاربه، افساد در زمین از طریق اخلال در امنیت عمومی و ایجاد ترس عمومی است و این ترس عمومی از طریق استفاده از سلاح و تهدید به قتل ایجاد می‌شود<sup>۱۶</sup>. آیهٔ ۳۳ سورهٔ مائده، در واقع به ویژگی جرم محاربه که افساد فی الارض است اشاره دارد و دو جرم را بیان نمی‌کند و در آیهٔ یادشده به‌طور مستقل به دو فعل و فاعل اشاره نشده است، بلکه فقط بر فعل محاربه با خدا و رسول از طریق ایجاد فساد در زمین اشاره دارد<sup>۱۷</sup>. عبارت «یسعون فی الارض فساداً» و «محاربون الله و رسوله» با واو عطف به یکدیگر مرتبط شده‌اند و چنانچه شارع قصد عنوان حکم برای دو عنوان جداگانه را داشت می‌بایست موصول (الذین) را تکرار می‌نمود<sup>۱۸</sup>.

البته نظر غیرمشهور دیگری افساد فی الارض را مستقل از محاربه دانسته و بر این باور است که برای تحقق افساد فی الارض نیازی به شرایط محاربه نیست<sup>۱۹</sup>. این دسته معتقدند هرچند در کتاب حدود، عنوان افساد فی الارض به‌طور مستقل بیان نشده، اما این به آن معنا نیست که وجود عنوان فقهی افساد فی الارض به‌طور مستقل منتفی است، چون تلازمی بین ثبوت احکام و بیان آنها در کلام فقها وجود ندارد؛ کلمات در خصوص احکامی است که یا در سنت مطرح شده‌اند و اگر هم از کتاب گرفته شده باشند ویژگی‌های آنها با سنت بیان گردیده است. اما اگر حکمی به‌طور صریح از کتاب اتخاذ گردد و در آن ابهامی نباشد، علتی برای ذکر آن به‌طور مستقل وجود ندارد<sup>۲۰</sup>. حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص معتقدند

۱۵. محمدحسن، نجفی، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۳، (بیروت: انتشارات در الحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳)، ص ۵۷۳؛ فضلین حسن، طبرسی، *جوامع الجامع*، تصحیح ابوالقاسم گرگی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۴۱۰)، ص ۳۲۶؛ ابوجعفر محمدبن جریر، طبری، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸)، ص ۱۳۹.

۱۶. علی بن محمد، طباطبایی، *ریاض المسائل*، (قم: مؤسسه آل البیت لاحیا التراث، ۱۴۲۱)، ص ۱۲۷.  
۱۷. سید محمود، هاشمی شاهرودی، *محارب کیست و محاربه چیست در بایسته‌های فقه جزا*، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷)، ص ۲۴۸.

۱۸. محمدجعفر، حبیب‌زاده، *امکان سنجی حکم افساد فی الارض بر قاجاق کالا و ارزش از منظر فقهی*، دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب سوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷)، ص ۸۰۸.

۱۹. محمد، مؤمن قمی، «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، فقه اهل البیت، ش ۳۵ (۱۳۸۲)، ص ۵۶.  
۲۰. سید محمد، ابطحی کاشانی، «مفسد فی الارض»، *مجله نور علم*، ش ۴ (۱۳۶۳)، ص ۳۴.

محارب و مفسد دو موضوع شمرده می‌شود و تشخیص آن با محاکم صالحه است<sup>۲۱</sup> (گنجینه آرای فقهی - قضایی، کد سؤال ۱۰۹۸۵). ایشان در خصوص افساد در جرایم مواد مخدر می‌فرمایند: افساد در صورتی است که مواد مخدر پخش گردد به نحوی که سبب ابتلای بسیاری گردد یا به قصد این عمل یا علم به این اثر باشد<sup>۲۲</sup>.

حال اگر به برخی از بندهای ماده ۴۵ الحاقی توجه نماییم این معیار اصلاً وجود ندارد؛ برای مثال، در بند «پ» ماده ۴۵ الحاقی، یکی از موارد موجب تحقق افساد فی الارض را وجود یک بار سابقه تحمل حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال اعلام نموده که مبنای آن مشخص نیست؛ چون از یک سو قیود شدید و گسترده که در تعریف افساد فی الارض بیان شد در اینجا وجود ندارد. از سوی دیگر در متون فقهی در مواردی مانند عادت به قتل اهل ذمه که به عنوان افساد فی الارض مطرح شده است، در اینکه شخص با ارتکاب عمل برای بار دوم یا سوم مفسد فی الارض محسوب گردد، اختلاف نظر وجود دارد<sup>۲۳</sup>؛ حال آن که مقنن بر چه مبنایی در این بند از ماده ۴۵ الحاقی برای تکرار بار دوم، مجازات اعدام تعیین نموده است، جای سؤال و ابهام دارد.

### ۲.۱.۲. عدم توجه به فعلیت افساد فی الارض

در اصطلاح اندیشمندان علم اصول، «مفسد» مشتق اصولی محسوب می‌شود. مشتق اصولی بدین معناست که یک صفت بر شیء یا شخصی بار می‌گردد و امکان سلب آن صفت یا اتصاف به آن صفت بر شیء یا شخص میسر است<sup>۲۴</sup>. استعمال مشتق را اصولیون در مورد ذاتی که قبلاً به مبدأ تلبس داشته و یا در آینده به مبدأ متلبس گردد مجاز می‌گویند و در خصوص اشخاصی که به مبدأ به صورت بالفعل اتصاف دارند این استعمال را حقیقی می‌گویند<sup>۲۵</sup>. در تحلیل‌های حقوقی این مبحث اصولی کاربردهای زیادی دارد؛ هنگامی که

۲۱. نرم افزار گنجینه استفتانات قضایی، معاونت آموزش قوه قضاییه، نسخه اول، کد سؤال: ۱۰۹۸۵.

۲۲. همان، کد سؤال: ۱۱۳۰.

۲۳. زین‌الدین بن علی، شهید ثانی، *مسالك الافهام*، (قم: انتشارات داودی، ۱۴۱۸)، ص ۱۴۷.

۲۴. محمدرضا، مظفر، *اصول الفقه*، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۶۲.

۲۵. محمدکاظم، خراسانی، *کفایه الاصول*، (قم: نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۳۶)، ص ۵۲.

مقنن حکمی را بر عنوانی بار می‌نماید، در صورتی که عنوان هنوز محقق نشده یا قبلاً محقق شده باشد، این سؤال پیش می‌آید که آیا در چنین مواردی هم می‌توان حکم را در مورد آن ذاتاً جاری نمود؟ این مبحث در مورد مرتکبان جرایم مواد مخدر در خصوص بحث مفسد فی‌الارض بودن یا نبودنشان بسیار اهمیت دارد.

بدون تردید در مورد افرادی که در حال حاضر مشغول فروش گسترده مواد مخدر هستند می‌توان عنوان مفسد را بار نمود، ولی آیا می‌توان فردی را که قصد افساد فی‌الارض داشته، اما موفق به این امر نشده است، مفسد فی‌الارض دانست؟ مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، برای رکن روانی جرم افساد فی‌الارض مانند برخی از جرایم، دو ضابطه به کار رفته است؛ یکی قصد نتیجه و دیگری علم به مؤثر بودن آن. حال با وجود این، آیا می‌توان فردی را که به منظور پخش و فروش مواد مخدر، این مواد را در منزلش نگهداری کرده و سابقه‌ای هم در مورد پخش و فروش مواد مخدر نداشته است، مفسد فی‌الارض نامید؟ انصاف این عنوان بر عمل فرد، استعمالی مجازی است چون هنوز افسادی محقق نشده است؛ در حالی که در بند «ت» ماده ۴۵ الحاقی به این امر توجه نشده و برای نگهداری مواد مخدر به میزان مشخص مثلاً ۴ کیلوگرم هروئین مجازات اعدام تعیین شده است. از جهت دیگر، مطابق علم اصول، نسبت بین موضوع و حکم مثل نسبت بین علت و معلول است و تا هنگامی که موضوع محقق نشود حکم جریان نمی‌یابد؛ لذا نظر به اینکه مفسد فی‌الارض موضوع حکم اعدام است، صدور حکم اعدام در خصوص افرادی که مواد مخدر را نگهداری می‌کنند محل اشکال است<sup>۲۶</sup>، چون هنوز عنوان مفسد فی‌الارض محقق نشده است که مجازات اعدام برای آن تعیین شود.

### ۳.۱. شبیهه قاعده درء در ارکان جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام

قاعده درء از قواعد امتنانی است و به مجازات‌هایی که ناظر به حق الله هستند اختصاص دارد.<sup>۲۷</sup> در خصوص شمول این قاعده بر جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام، بین فقها و

۲۶. محسن، برهانی و رسول، احمدزاده، «معیارهای ناظر بر شناسایی مفسد فی‌الارض با تأکید بر جرایم مواد مخدر»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۲ (۱۳۹۷)، ص ۲۱۹.

۲۷. سید محمد، موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱)، ص ۸۷.



حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد، چون همچنان ماهیت مجازات اعدام در این دسته از جرایم دارای ابهام است. البته برخی از فقها تمام انواع تعزیرات را مشمول این قاعده دانسته و تفاوتی بین تعزیرات ناظر به حق الناس و حق الله قائل نشده‌اند.<sup>۲۸</sup> اما نظریات مشورتی شماره ۱۳۸۴/۴۴۵۶ مورخ ۲۴ آبان ۱۳۷۷ و ۷/۵۰۸۶ مورخ ۱۹ مهر ۱۳۸۴، جرایم یادشده در قانون مبارزه با مواد مخدر را از شمول حق الله و حق الناس خارج دانسته‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به مقررۀ جدید ماده ۴۵ الحاقی، دایر بر در حکم افساد فی الارض قرار دادن این جرایم، این مشکل تا حدودی برطرف شده است. البته این شبهه ممکن است در هریک از ارکان و عناصر متشکله جرایم ایجاد شود. شبهه در عنصر قانونی گاهی از سوی قاضی و گاه از طرف مرتکب شکل می‌گیرد؛ منظور از شبهۀ قاضی در عنصر قانونی آن است که قاضی مردد گردد که آیا عمل خاصی جرم است یا خیر؟ یا اگر جرم هست مجازات آن چیست؟<sup>۲۹</sup> برای مثال، تردید شود درحالتی که فعالیت متهم در امر توزیع و فروش مواد مخدر به صورت گسترده نبوده و منتهی به فساد در جامعه نشده باشد، آیا عمل فرد افساد فی الارض محسوب می‌شود و موجب مجازات اعدام است؟ به نظر می‌آید قاضی در زمان بروز چنین تردیدی در عنصر قانونی بایستی متهم را از مجازات اعدام تبرئه نماید و به استناد مواد قانونی دیگر فرد را مجازات کند. هرچند برخی معتقدند شبهه در عنصر قانونی و مادی موضوع قاعده نیست و تنها شبهه در عنصر روانی محل اجرای این قاعده است.<sup>۳۰</sup>

## ۲. جلوه‌های توسعه سیاست کیفری سخت‌گیرانه در ماده ۴۵ الحاقی و ابهامات آن

نظر به اینکه هسته اصلی سیاست کیفری، نظام کیفری است؛ لذا مقررات کیفری هر کشور اهمیت بالایی دارد که بایستی بدون هرگونه ابهام و ایرادی تدوین و تصویب گردند. مقنن با تصویب ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر سعی نمود با به‌کار بردن عبارت

۲۸. سید مصطفی، محقق داماد، قواعد فقه (بخش جزایی)، ج ۴، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۱)، ص ۷۸.  
 ۲۹. محسن، صفری و رضا، زهروی، «مطالعه تطبیقی شبهۀ قاعده دره در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه حقوق، ش ۲ (۱۳۸۸)، ص ۱۹۹.

۳۰. سید محمد مهدی، ساداتی، «شرایط اعمال قاعده دره در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۴ (۱۳۹۵)، ص ۱۴۲.

«در حکم مفسد فی الارض» تا حدی از ابهام موجود در خصوص ماهیت مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر بکاهد و با تغییراتی دامنۀ مجازات اعدام را کاهش دهد. اما در مرحله عمل پس از بررسی و تحلیل موارد یادشده در این ماده درمی‌یابیم که قانون‌گذار نه‌تنها به رفع مشکل کمکی نکرده، بلکه ابهامات و چالش‌های قانونی دیگری را نیز به جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام افزوده و حتی در اکثر موارد سیاست کیفری سخت‌گیرانه را توسعه بخشیده است.

## ۲.۱. گسترش دامنۀ شمول جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام

قانون‌گذار ایران در زمینۀ مبارزه با مواد مخدر بدون تبعیت از یک راهبرد منسجم علمی، غالباً رویکردی سخت‌گیرانه را در پیش گرفته است؛ به اعتقاد نگارندگان، ماده واحده الحاقی سبب شده در بعضی از موارد، دامنۀ شمول مجازات اعدام افزایش یابد و به عبارتی، مقنن با توسعه در مفهوم، مصادیق را افزایش داده است؛ بند «الف» ماده ۴۵ الحاقی<sup>۳۱</sup>، شبیه حکم ماده ۱۱ اصلاحیۀ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶<sup>۳۲</sup> است، اما به‌موجب این بند، افعالی که مستوجب مجازات اعدام می‌شوند گسترش پیدا کرده‌اند؛ با این توضیح که به‌موجب ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، عبارت «قاچاق مسلحانه» که برای آن مجازات اعدام تعیین شده است، تنها شامل ورود و خروج، ارسال و صدور مواد مخدر به صورت مسلحانه می‌شود؛ چون مواد مخدر و روانگردان‌ها به‌موجب ماده ۱۲۲ قانون امور گمرکی<sup>۳۳</sup>،

۳۱. بند «الف» ماده ۴۵ الحاقی: «مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند».

۳۲. ماده ۱۱ اصلاحیۀ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر: «مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجرا خواهد شد».

۳۳. ماده ۱۲۲ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ورود قطعی کالاهای مشروحه زیر ممنوع است:

الف- کالاهای ممنوعه براساس شرع مقدس اسلام و به‌موجب قانون

ب- کالاهای ممنوع‌شده به‌موجب جدول تعرفه گمرکی یا تصویب‌نامه‌های متکی به قانون

پ- اسلحه از هر قبیل، باروت، چاشنی، فشنگ، گلوله و سایر مهمات جنگی، دینامیت و مواد محترقه و منفجره مگر با اعلام و موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

ت- مواد مخدر و روانگردان از هر قبیل و پیش‌سازهای آنها مگر با موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در هر مورد...»

یکی از انواع کالاهای ممنوع هستند و حسب ماده ۱ قانون قاچاق کالا و ارز<sup>۳۴</sup>، «قاچاق» صرفاً شامل واردات و صادرات می‌شود، درحالی که به موجب بند «الف» ماده ۴۵ الحاقی، موارد مستوجب اعدام علاوه بر واردات و صادرات شامل نگهداری، حمل، خرید و... مواد مخدر و روانگردان نیز می‌گردند. البته همین بند به موجب عبارت «مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند» نیز دامنه شمول مواد مستوجب اعدام را گسترش داده، به نحوی که حتی علاوه بر مواد مخدر و روانگردان‌های صنعتی، پیش‌سازهای مواد (موضوع ماده ۴۰ قانون مبارزه با مواد مخدر) را هم شامل می‌گردد؛ درحالی که ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، پیش‌سازهای مواد را شامل نمی‌شود.

قانون‌گذار حتی مصداق‌های قاچاق مسلحانه را توسعه بخشیده و استفاده از سلاح سرد را نیز برای اطلاق قاچاق مسلحانه کافی دانسته است. قانون‌گذار در تعریف سلاح در این بند، سلاح را شامل سلاح سرد و مهمات و مهمات غیرمجاز مصوب ۷ شهریور ۱۳۹۰ می‌داند؛ درحالی که رویه قضایی سابق و ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، قاچاق مسلحانه مواد مخدر را تاکنون مشمول سلاح سرد حتی سلاح سرد جنگی ندانسته و قاچاق مسلحانه فقط از طریق سلاح گرم قابل تصور بود. به علاوه در این بند بیان شده است «به قصد مقابله با مأموران» سلاح همراه داشته باشد؛ در این قسمت هم نوعی از توسعه دامنه ماده ۱۱ قانون مشاهده می‌شود چون در ماده ۱۱ تنها به سلاح کشیدن برای قاچاق مسلحانه اشاره شده، درحالی که در این بند، حتی صرف قصد مقابله را کافی دانسته است. البته اینکه چگونه می‌توان از همراه داشتن سلاح، این قصد را کشف کرد نیز خود نوعی مشکل است که سبب توسعه اختیار قضات رسیدگی‌کننده در تفسیر می‌شود.

از سیاق نگارش ماده به نظر می‌رسد علاوه بر توسعه دامنه علم و آگاهی همه شرکا بر تمام جزئیات، قانون‌گذار اصل را علم و اطلاع شرکا از وجود سلاح یا قصد استفاده از سلاح

۳۴. بند «الف» ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳: «قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود».

دانسته و بار اثبات عدم آگاهی را برعهده متهم قرار داده که این امر نیز برخلاف ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر است و اختیار قضات را در تفسیر به نفع متهم محدود می‌نماید. چون قبلاً بعضی از قضات در خصوص اعمال ماده ۱۱، بر شرکا و افرادی که همراه خود سلاح نداشتند تردید می‌کردند؛ درحالی که به موجب این بند ماده ۴۵ الحاقی، حتی اگر یکی از افراد سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران همراه خود سلاح گرم یا شکاری داشته باشد، مجازات همه افراد شریک در جرم اعدام است.

## ۲.۲. استفاده از الفاظ مبهم تقنینی

امروزه در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات، صحبت از «اصل کیفی بودن جرم» می‌شود که از مهم‌ترین آثار آن می‌توان به شفافیت متون قانونی اشاره کرد.<sup>۳۵</sup> اکثر حقوق دانان معتقدند چنانچه قانون‌گذار از الفاظ مبهم استفاده نماید ناقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات خواهد بود.<sup>۳۶</sup> با دقت در ماده ۴۵ الحاقی ابهامات تقنینی متعددی ملاحظه می‌شود که سبب شده است حقوق دانان تفسیرهای مختلفی نمایند از قبیل:

۱. بند «ب» ماده ۴۵ الحاقی به نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار اشاره کرده است اما مشخص نیست که آیا پشتیبانی مالی و سرمایه‌گذاری از طریق یک نفر هم می‌تواند محقق می‌گردد یا خیر. عده‌ای معتقدند با توجه به مطلق بودن عبارت، حتی اگر سرمایه‌گذاری و پشتیبانی مالی از یک نفر هم صورت گیرد مشمول ماده ۴۵ الحاقی خواهد شد.<sup>۳۷</sup> اما عده‌ای مخالف این نظرند و معتقدند هدف قانون‌گذار توجه به دسته‌ای از جرایم مواد مخدر است که به صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و هرچند کلمات سرمایه‌گذار یا پشتیبان مالی به صورت مطلق به کار رفته، اما با توجه به معنای این کلمات در موارد مشابه قانونی و عرفی می‌توان

۳۵. جورج پی، فلچر، مفاهیم حقوق بنیادی حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴)، ص ۳۴۶.

36. Fredric, Desportes, et Francis le Gunehec, *Droit penal general*, (paris, 9 edit, Econmica, 2008), p. 125.

۳۷. حسین، ذبحی، شرح و بررسی ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷)، ص ۵۱.

این گونه استنتاج نمود که صرف در اختیار گذاشتن مال به فردی برای خرید صد گرم تریاک را نمی توان سرمایه گذاری و پشتیبانی مالی محسوب نمود، بلکه بایستی سازمان یافتگی بزه ثابت شود. همچنین عبارت «نقش داشتن» که در متن این بند آمده مؤید این ادعاست؛ چون نقش داشتن هنگامی معنا می یابد که تقسیم کاری در گروهی صورت گرفته باشد<sup>۳۸</sup>، که به نظر نگارندگان نظر دوم با تعاریف قانونی سازگارتر است.

۲. در بند «ت» ماده ۴۵ منظور از عبارت «... سایر جرایم موضوع ماده ۸...» «مبهم است، چون هنگامی که به ماده ۸ مراجعه می نماییم ملاحظه می شود جرایم یادشده در این ماده به دو دسته تقسیم نشده اند؛ در حالی که این تقسیم بندی در جرایم موضوع ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر وجود دارد و چهار فعل (نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن) که در ماده ۵ جرم انگاری گردیده، در سایر افعال مجرمانه در ماده ۴ این قانون مشخص شده اند. به نظر می رسد منظور از عبارت سایر جرایم، افعال یادشده در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر است و چون «و» که بعد از فعل «باشد» و قبل از عبارت «مواد موضوع ماده ۸» آمده، «واو» عطف است و عبارت «کلیه جرایم موضوع ماده ۴» را به عبارت «مواد موضوع ماده ۸ این قانون» عطف نموده، لذا چهار فعل نگهداری، حمل، خرید و مخفی کردن از عموم صدر بند «ت» خارج می شوند. بنابراین این افعال چهارگانه در صورتی که موضوع ماده ۸ قرار گیرند، برای اینکه مستوجب اعدام شوند بایستی بیشتر از سه کیلوگرم باشند<sup>۳۹</sup>.

### ۳.۲. ناهماهنگی با مفاد قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی به عنوان بااهمیت ترین تأسیس حقوق جزایی کشور، بایستی مفاد و اصول کلی آن از سوی سایر قوانین کیفری خاص خدشه دار نشود<sup>۴۰</sup>. با توجه به دسته بندی مجازات ها در قانون مجازات اسلامی، مجازات های مقرر در قانون مبارزه با مواد مخدر در دسته مجازات های تعزیری قرار می گیرند، اما در رویکرد جدید ماده ۴۵ الحاقی که بعضی از

۳۸. حسین، اعظمی چهاربرج، *تحلیلی بر ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با تکیه بر نحوه اعمال آن در مراجع قضایی*، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷)، ص ۳۰.

۳۹. همان، ص ۳۹.

۴۰. علیرضا، میلانی، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در بستر تاریخ»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۶۲ (۱۳۸۷)، ص ۱۷۸.

جرایم مواد مخدر در حکم افساد فی الارض قرار گرفته با برخی از مقررات قانون مجازات اسلامی همخوانی ندارد؛ نخست اینکه در این دسته از جرایم با توجه به ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد مجازات‌های حدی قابل تخفیف و تبدیل نیستند ناپستی بتوان در مجازات‌هایشان تخفیف اعمال نمود، اما ملاحظه می‌شود که حسب ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و ماده ۴۵ الحاقی، می‌توان برای این دسته از جرایم نیز تخفیف اعمال کرد. دوم اینکه این جرایم نباید مشمول بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی گردند، چون حسب رأی وحدت رویه شماره ۴۵ مورخ ۲۵ دی ۱۳۶۵ دیوان عالی کشور (ماده ۶ قانون مجازات اسلامی مصوب مهر (یعنی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی را طبق قانونی قرار داده که قبل از وقوع جرم وضع شده باشد، ولی این موضوع منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص است که از صدر اسلام تشریح شده‌اند). این امر سبب شده است که محاکم کیفری در صدور آرای جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام بر مبنای ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی دچار نوعی سردرگمی شوند.

سوم، عبارت «در حکم مفسد فی الارض» این ابهام را به وجود می‌آورد که آیا قیودی که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌اش بیان شده و جرم افساد فی الارض را تبدیل به یک جرم مقید نموده است باید در این دسته از جرایم مواد مخدر نیز مد نظر قرار گیرد؟ از سوی دیگر مشخص نیست منظور از عبارت «به‌طور گسترده» تعداد مجنی‌علیه است یا تکرار بسیار فعل از سوی فاعل و یا وسعت مکانی یا زمانی مدنظر؟ لذا ممکن است هر قاضی تفسیری متفاوت کند که این برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است.<sup>۴۱</sup> همچنین قانون‌گذار معاونت در مصادیق مجرمانه ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را مصادق افساد فی الارض دانسته و برای آن مجازات اعدام تعیین کرده است؛ در حالی که اگر مستندات فقهی افساد فی الارض و سایر جرایم حدی بررسی گردد، در هیچ‌کدام شارع مجازات مباشر را عیناً به‌عنوان مجازات معاون در اثم به‌کار نبرده است.<sup>۴۲</sup> حتی در تبصره

۴۱. حسین، میرمحمدصادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴)، ص ۶۳.

۴۲. محمدرضا، رهبرپور و حسین، نورمحمدی، «چالش‌های حقوقی- قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۲۲ (۱۳۹۶)، ص ۲۲۷.

ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات معاون جرم را خفیفتر از مجازات مباشر قرار داده و این مطلبی است که فقه هم بر آن صحنه گذاشته است.<sup>۴۳</sup> اما متأسفانه قانونگذار با بی‌توجهی به این رویکرد و عدول از اصول حاکم بر حقوق جزای عرفی، همانند اصل شخصی بودن کیفر و تناسب مجازات‌ها، نتایج زیان‌بار فعل مجرمانه مباشر را که ارتباط مستقیمی به معاون جرم ندارد، به وی تسری داده و برای آن مجازات اعدام تعیین نموده است. به عبارتی، بدون توجه به معیارهای تناسب میان جرم و مجازات، یعنی معیار اهمیت مطلق و نسبی جرایم، صدمه وارده، نوع جرم ارتكابی و نوع و درجه تقصیر، برای فردی که نقش کم‌رنگ‌تری در ایفای جرم داشته مجازات نامتناسب تعیین نموده است؛ درحالی که تناسب و هماهنگی میان مجازات و جرم از لوازم یک نظام کیفری متعادل است. ضمناً مطابق ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲<sup>۴۴</sup> در حالتی که فرد قاچاقچی برای مقابله با مأمورین دست به اسلحه ببرد محارب محسوب می‌شود، اما در ماده ۴۵ الحاقی این موضوع را در حکم افساد فی‌الارض محسوب نموده که رویکردی غیرمنطبق با قانون مجازات اسلامی است.

میزان سخت‌گیری قانونگذار نسبت به تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ کاسته شد. مطابق ماده ۱۳ این قانون، هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم مدتی معادل مرور زمان اجرا یا اعاده حیثیت سپری نشده باشد، دوباره مرتکب جرم درجه یک تا شش جدید شود، مجازات مجرم تشدید می‌گردد. آنچه مشخص است این تغییرات و اصلاحات در قانون مجازات اسلامی، در روند سیاست کیفری سخت‌گیرانه مقنن در قوانین مبارزه با مواد مخدر تغییری ایجاد نکرده، چون قانون مبارزه با مواد مخدر خاص است و قواعد مرتبط با تکرار جرایم مواد مخدر با قواعد ناظر بر جرایم عمومی تفاوت دارد و اگر قضاات دادگاه در تشدید مجازات این قواعد خاص را

۴۳. عبدالرضا، اصغری و قدرت‌الله، رضائی، «معاونت در جرم از منظر فقه و حقوق جزای ایران، افغانستان و مصر»، فصلنامه قضاوت، ش ۹۰ (۱۳۹۶)، ص ۷۰.

۴۴. ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محارب هستند».

رعایت نکنند رأی صادره نقض می‌شود<sup>۴۵</sup>. البته رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ مورخ ۳۰ دی ۱۳۹۳ نیز مؤید همین نظر است، چون در صدر رأی وحدت رویه پیش‌گفته بیان شده است با توجه به اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص تعدد جرم خاصی ندارد، قواعد تعدد جرم مندرج در قانون مجازات اسلامی متبع خواهند بود. بنابراین با استفاده از مفهوم مخالف آن می‌توان گفت در قواعد تکرار جرم که قانون مبارزه با مواد مخدر حکم خاص دارد، نمی‌توان به قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. قانون‌گذار حسب بند «پ» ماده ۴۵ الحاقی، قواعد مربوط به تکرار جرم را به صورت بی‌ضابطه بسیار توسعه داده است؛ به این نحو که اگر فردی پیش‌تر به کیفر اعدام محکوم شده باشد و این کیفر به هر علتی به کیفر دیگری تبدیل شده باشد و یا اگر فرد قبلاً به جهت ارتکاب جرایم مواد مخدر به حبس بیش از پانزده سال یا حبس ابد محکوم گردیده باشد، بدون در نظر گرفتن ماده و بند حکم سابق‌الصدور به اعدام محکوم می‌شود.

#### ۴.۲. ابهام‌های جرم‌انگاری افساد فی الارض در ماده ۴۵ الحاقی

قانون‌گذار در مواد ۶ و ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷<sup>۴۶</sup> مرتکبان جرایم مواد مخدر را که میزان موادشان به نصاب مشخصی می‌رسید در حکم مفسد فی الارض قرار می‌داد. مقنن در سال ۱۳۷۶ گویا در خصوص این تعبیر دچار نوعی تردید شد و عنوان مفسد فی الارض را از ماده ۶ حذف کرد، اما مجدداً در سال ۱۳۹۶ روندی را که در سال ۱۳۶۷ در پیش گرفته بود و اعدام‌های جرایم مواد مخدر را بر مبنای افساد فی الارض توجیه کرد و

۳۵. حسین، ذبحی، شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در نظم حقوقی جدید، ج ۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷، ص ۲۰۲.

۴۶. ماده ۶ قانون مبارزه با مواد مخدر: «مرتکبین جرایم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲ و ۳ و ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر برای بار دوم به یک برابر و نیم، برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه‌های بعد به ترتیب دو و نیم، سه، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. چنانچه در نتیجه تکرار جرایم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود...»  
ماده ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر: «مجازات‌های مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود.»



با تغییراتی در ماده ۴۵ الحاقی تکرار نمود.

از ظاهر قانون برمی آید که مقنن خواسته است وجود نصاب مقدار مواد و سابقه قبلی بیش از ۱۵ سال یا حبس ابد و اعدام، مصداق افساد فی الارض با مجازات اعدام باشد، اما به این برداشت ظاهری نباید اکتفا کرد، چراکه قانون گذار فقط می تواند رفتارهای مجرمانه را تعریف و مجازات آن را تعیین نماید ولیکن نمی تواند به طور عام و بدون رسیدگی قضایی و بدون بررسی عناصر ثلاثه قانونی، مادی و معنوی لازم برای اثبات جرم افساد فی الارض، در حوزه استقلال قضایی ورود نموده، هر فردی را که دارای سابقه اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال باشد و مرتکب یکی از بندهای ماده شده است الزاماً مفسد فی الارض محسوب و محکوم به اعدام نماید. در محاربه و افساد فی الارض علاوه بر سوءنیت عام، سوءنیت خاص هم لازم است. صرف حمل یا نگهداری مواد مخدر با هر میزانی نمی تواند بالفعل موجب فساد باشد، بلکه می تواند بالقوه ایجاد مفسده نماید. آنچه در افساد فی الارض ملاک است ارتکاب رفتاری است که عملاً موجب فساد شده باشد و اگر مقصود مقنن از اعدام از باب افساد فی الارض در جرایم مواد مخدر، عدم لزوم احراز شرایط حد افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در این موارد تلقی شود، چنین مقصودی باید تصریح شود که نشده است.

البته در مورد پذیرش قصد غیرمستقیم برای تحقق جرم افساد فی الارض اختلاف نظرهای حقوقی و قضایی زیادی وجود دارد. چنانچه به آرای محاکم انقلاب مراجعه گردد ملاحظه می شود بعضی از قضات با تفسیری موسع، برای تحقق محاربه و افساد فی الارض وجود قصد غیرمستقیم را کافی می دانند؛ درحالی که در تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی آمده است اگر دادگاه احراز نماید قصد اخلال گسترده در نظم عمومی یا ایجاد ناامنی در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات وجود نداشته باشد، مشمول مجازات اعدام نمی گردد؛ بنابراین قضات بایستی قصد متهم را در جرم افساد فی الارض لحاظ نمایند. از میزان مواد مخدر نمی توان قصد ایجاد فساد در جامعه و گسترده بودن جرم را به دست آورد. با وجود این، به این نکته در ماده ۴۵ الحاقی توجه نشده و برای مثال اگر فردی سه کیلو و یک گرم هروئین را برای بار اول حمل نماید، چنانچه دستگیر شود، مفسد فی الارض

است، اما اگر سه کیلوگرم هروئین حمل کند، مفسد فی الارض شناخته نمی‌شود، مشخص نیست یک گرم مواد اضافه چه ویژگی دارد که فرد را از غیرمفسد به مفسد تبدیل می‌کند. در مورد عبارت «فی الارض» اگر به فقه مراجعه نماییم تعریفی که بیشتر با فهم عرفی و برداشت مفسران مطابقت دارد گستردگی جغرافیایی عمل مرتکب و تأثیر زیاد عمل است که از برپا نمودن فساد در منطقه‌ای از زمین حکایت دارد.<sup>۴۷</sup>

## ۲.۵. ابهام در دامنه شمول افساد فی الارض

یکی دیگر از اموری که باعث عدم صراحت قانون و روشن نبودن مقصود قانون‌گذار می‌شود آن است که مقنن واژه‌های جدیدی را در قانون به کار ببرد بدون آنکه پیش‌تر آنها را تعریف و حدود و ثغورشان را مشخص کرده باشد؛ عبارت «در حکم»<sup>۴۸</sup> در عرف قانون‌گذاری و فقهی متداول است، اما تعریف مشخصی از این عبارت در متون قانونی بیان نشده، به نحوی که برداشت‌های متعدد از این عبارت، سبب ایجاد مشکلات عدیده‌ای در اجرای قوانین شده است. عبارت «در حکم» از نظر لغوی به معنای «به‌مثابه» یا «به‌منزله» بوده و مفهوم اصطلاحی آن، عبارت است از: «الحاق موضوعی به موضوع دیگر از حیث احکام و آثار به‌واسطه وجود مناط مشترک»<sup>۴۹</sup>. اما در خصوص اینکه آیا بایستی تمام آثار و احکام موضوع اصلی به فرعی ارجاع داده شود اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای قائل به عدم تعمیم تمام آثار هستند و صرفاً این تعمیم را ناظر به مجازات جرایم دانسته و به ادله‌ای همچون قاعده تفسیر مضیق قوانین و قاعده درء استناد نموده‌اند. دسته دوم که قائل به تعمیم تمامی آثار و احکام جرم اصلی به فرعی می‌باشند به ادله‌ای همچون قاعده تبعیت فرع از اصل و دلالت التزامی و اطلاق و عموم لفظ و تبادل استناد نموده‌اند. البته در خصوص جرایم مواد مخدر این مشکل تا حدودی پیچیده‌تر هم شده است؛ چون تا پیش از تصویب ماده ۴۵ الحاقی از سوی مجلس شورای اسلامی این نکته مطرح بود که با توجه به خاص بودن قانون مبارزه با مواد مخدر به جهت تصویبش از جانب مجمع تشخیص مصلحت نظام،

۴۷. حسین‌علی، بای، «افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟»، مجله فقه و حقوق، ش ۹ (۱۳۸۵)، ص ۳۲.  
48. Tantamount

۴۹. هادی، جودی خراسانی، جرایم در حکم محاربه در حقوق جزای ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲، ص ۲۲.

قابلیت تخصیص خوردن از سوی قوانین عام دیگر را ندارد، اما پس از اینکه مجلس ماده ۴۵ الحاقی را تصویب کرد، در خصوص اینکه آیا بایستی معیارهای ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص مفسد فی الارض در مواد مخدر نیز وجود داشته باشد نظریات گوناگونی بیان شده است که به نظر نگارندگان، قاضی در مرحله رسیدگی بایستی ارکان مادی و معنوی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را علاوه بر ارکان مادی و معنوی جرایم مستوجب اعدام قانون مبارزه با مواد مخدر احراز نماید. چون اگر معتقد باشیم تنها بخشی از ارکان ماده ۲۸۶ باید لحاظ گردد این امر به تخصیص پذیری حد افساد فی الارض منتهی می شود که چنین امری برخلاف شرع است.

از سوی دیگر، مطابقت این عنوان بر مصادیقش کار ساده‌ای نیست و نیازمند تحقیق و نظردهی کارشناسان و افراد خبره در خصوص موضوع است. به این جهت بایستی مصادیق افساد فی الارض و نتایجش به وسیله کارشناسان بررسی گردند تا قضات بتوانند ارکان متشکله جرم را احراز نمایند.<sup>۵۰</sup> برخی در تأیید این رویه استدلال نموده‌اند که «با توجه به اینکه برای قضات احراز عنوان کیفری مانند محاربه و افساد فی الارض و... کاری دشوار است محاکم بایستی نظر کارشناسان را أخذ نمایند تا هم حقوق جامعه مد نظر قرار گیرد و هم حق متهمان تضییع نگردد چون در تشخیص این عناوین مجرمانه دیدگاه‌ها و سلاقی افراد گوناگون است و چنانچه هیأتی از کارشناسان امین در دادگاه‌ها حضور پیدا نکنند شاید زمینه‌های تضییع حقوق متهمان و اشتباه قضات در تشخیص مصداق جرم به وجود آید».<sup>۵۱</sup> بنابراین قضات ملزم هستند با توجه به قاعده درء بسیار محتاط عمل کنند و در صورت تردید در وقوع افساد در عالم خارج متهم را تبرئه نمایند.

## ۶.۲. تعیین دامنه شمول نهادهای ارفاقی

فردی‌سازی مجازات اقدامی برای متعادل نمودن اصل قانونی بودن جرم و مجازات محسوب می شود<sup>۵۲</sup>؛ با وجود این، گاهی قانون‌گذار سعی می کند با محروم نمودن متهم‌ها از

۵۰. محسن، برهانی و رسول، احمدزاده، پیشین، ص ۲۱۶.

۵۱. حسینعلی، منتظری، رساله حقوق، (تهران: انتشارات سرایی، ۱۳۹۶)، ص ۱۱۰.

۵۲. بابک، پورقهرمانی و ایرج، نگهدار، «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۲ (۱۳۹۷)، ص ۲۳۴.

تدابیر ارفاقی و شیوه‌های ناتوان‌سازی، امنیت عمومی را بهتر فراهم نماید. چون اطمینان از مجازات شدن به‌جای شدت مجازات در جلوگیری از ارتکاب جرایم، از جمله جرایم مواد مخدر مؤثرتر است.<sup>۵۳</sup> تبصره ماده ۴۵ الحاقی در راستای سیاست کیفری سخت‌گیرانه استفاده از نهادهایی همچون تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و عفو را ممنوع نموده است؛ ظاهراً مقنن به‌موجب حکم این تبصره قصد محدود نمودن قضات در خصوص اعمال نهادهای ارفاقی در مرحله اجرای حکم را داشته است<sup>۵۴</sup>، اما برخی دیگر معتقدند این محدودیت مربوط به مرحله دادرسی است. از سوی دیگر، این ماده در خصوص اینکه آیا در حیس‌های بالای ۵ سال که حکم به بیشتر از حداقل مجازات صادر می‌گردد، آیا امکان اعمال آزادی مشروط یا سایر نهادهای ارفاقی وجود دارد، ساکت است. هرچند از اطلاق ماده این‌گونه برداشت می‌شود که قسمت دوم تبصره را می‌توان در مورد آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به‌غیر از تعلیق اجرای مجازات مشمول عمومات قانون مجازات اسلامی دانست<sup>۵۵</sup>، اما بایستی قانون‌گذار با صراحت و شفافیت در متون قانونی از بروز این ابهامات خودداری نماید.

### نتیجه

قانون‌گذار ایران در زمینه مبارزه با مواد مخدر بدون تبعیت از یک راهبرد منسجم علمی غالباً رویکردی سخت‌گیرانه را درپیش گرفته است. مجلس شورای اسلامی پس از چند دهه قانون‌گذاری از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص مواد مخدر، با تصویب طرح کاهش مجازات اعدام از قانون مبارزه با مواد مخدر در قالب ماده ۴۵ الحاقی مورخ ۲۶ مهر ۱۳۹۶، اقدامات قانون‌گذاران سابق را به‌چالش کشید. بر اساس یافته‌های پژوهش ملاحظه می‌شود عملکرد قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی بیانگر آن است که مقنن علی‌رغم قصد تحدید گستره اعدام، همچنان به ایده بازدارندگی اعدام در جرایم مواد مخدر وفادار بوده، به‌گونه‌ای که دامنه سیاست کیفری سخت‌گیرانه را در اکثر موارد توسعه داده است؛ از یک سو با اقداماتی همچون گسترش دامنه شمول جرایم مستوجب اعدام، استفاده از الفاظ

53. Maria Corazon, A. De Ungria; Jose & M. Jose, "The war on drugs, forensic science and the death penalty in the Philippines", *Forensic Science International: Synergy*, (2020), p 34.

۵۴. حسین، اعظمی چهاربرج، پیشین، ص ۱۲۶.

۵۵. سید درید، موسوی مجاب و همکاران، «واکاوی سیاست جنایی قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۱۹ (۱۳۹۹)، ص ۲۶۵.

مبهم در قانون و تحدید دامنه شمول نهادهای ارفاقی به این امر پرداخته است.

از سوی دیگر، به موجب این ماده برخی از جرایم مواد مخدر در حکم افساد فی الارض در نظر گرفته شدند که سبب بروز ابهامات و چالش‌های فقهی و حقوقی جدیدی گردید. از دیدگاه فقهی اولاً مبانی فقهی جرم‌انگاری افساد فی الارض در جرایم مواد مخدر ضعیف است، چون تنها عده معدودی از فقها قائل به وجود عنوان مستقل افساد فی الارض هستند و در هیچ‌یک از کتب فقهی مجازات اعدام به تنهایی برای افساد فی الارض تعیین نشده است. لذا پذیرش چنین عنوانی در نظام تقنینی ما با قواعد فقهی از جمله قاعده درء و قاعده احتیاط در دماء همخوانی ندارد. ثانیاً در اکثر بندهای ماده ۴۵ الحاقی تشریفات و ویژگی‌های حد افساد فی الارض همانند گسترده و شدید بودن جرم لحاظ نشده است.

از دیدگاه حقوقی، اولاً ناهماهنگی‌ها و تعارضاتی با اصول حقوق جزا و مواد ۲۱۹، ۲۸۱ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شکل گرفته است؛ بدین نحو که چنانچه مجازات اعدام به عنوان حد افساد فی الارض باشد قاعده‌تاً تخفیف مجازات در آن قابل اعمال نیست، چون حدود حسب ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی قابل تخفیف و تبدیل نیستند، اما ملاحظه می‌گردد که می‌توان مطابق ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و ماده ۴۵ الحاقی آن، در این دسته از جرایم تخفیف را اعمال نمود. ثانیاً در ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر، مقنن سعی نمود با عبارت «در حکم مفسد فی الارض» ماهیت مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر را تعیین نماید، اما ابهام دیگری را برای قضات و حقوق‌دانان ایجاد نمود که آیا با توجه به عبارت «در حکم»، بایستی تمام شرایط و قیود حد افساد فی الارض که در فقه و قانون به آن اشاره شده است مد نظر قرار گیرد یا خیر. چون ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که به مبحث افساد فی الارض پرداخته است تعریفی از آن ارائه نکرده و صرفاً مصادیقی کلی آن را بیان نموده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شمول حکم افساد فی الارض بر تمام بندهای ماده ۴۵ الحاقی قابل توجیه نیست.

گویی ماده ۴۵ الحاقی نتوانسته است یک قالب نظام‌مند را برای تعدیل اعدام‌های مواد مخدر به کار گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار به قدر متیقن مصادیق اعدام شرعی اکتفا نماید و با توجه به اینکه تعیین مجازات اعدام بر مبنای حد افساد فی الارض در جرایم

مواد مخدر، حکمی برخلاف دیدگاه بسیاری از فقها است، از قوانین کیفری مواد مخدر حذف گردد و موارد معدودی هم که طبق مواد ۲۸۱ و ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مشمول حد محاربه و افساد فی الارض می‌شوند بر مبنای قانون مجازات اسلامی مجازات گردند. همچنین قضات تا پیش از اصلاح قانون، در مورد عناصر مادی و معنوی جرایم مواد مخدر مستوجب اعدام، تفسیری سخت‌گیرانه به‌عمل آوردند؛ با این توضیح که چون این جرایم در حکم افساد فی الارض محسوب می‌شوند قضات در مرحله رسیدگی علاوه بر عناصر مادی و معنوی جرایم مستوجب اعدام قانون مبارزه با مواد مخدر، قیود ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی را هم لحاظ نمایند تا موارد صدور حکم اعدام محدودتر گردد. چون قانونی که در مقام تبیین و تعریف شرایط حدود اسلامی مطابقت بیشتری با موازین شرع دارد بایستی در اولویت استناد قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

#### – کتابها

۱. اعظمی چهاربرج، حسین، *تحلیلی بر ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر با تکیه بر نحوه اعمال آن در مراجع قضایی*، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷).
۲. حبیبزاده، محمدجعفر، *امکان سنجی حکم افساد فی الارض بر قاچاق کالا و ارز از منظر فقهی*، دایره المعارف علوم جنایی، کتاب سوم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷).
۳. خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، ج ۲۰، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸).
۴. ذبحی، حسین، *شرح و بررسی ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶*، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷).
۵. ذبحی، حسین، *شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در نظم حقوقی جدید*، ج ۲، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷).
۶. فلچر، جورج پی، *مفاهیم حقوق بنیادی حقوق کیفری*، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، (مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴).
۷. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه (بخش جزایی)*، ج ۴، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۱).
۸. مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰).
۹. منتظری، حسینعلی، *رساله حقوق*، (تهران: انتشارات سرایی، ۱۳۹۶).
۱۰. میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴).
۱۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *محارب کیست و محاربه چیست در بایسته های فقه جزا*، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷).



## - مقاله‌ها

۱۲. ابطحی کاشانی، سید محمد، «مفسد فی الارض»، *مجله نور علم*، ش ۴ (۱۳۶۳).
۱۳. اصغری، عبدالرضا و رضائی، قدرت‌الله، «معاونت در جرم از منظر فقه و حقوق جزای ایران، افغانستان و مصر»، *فصلنامه قضاوت*، ش ۹۰ (۱۳۹۶).
۱۴. بای، حسین علی، «افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟»، *مجله فقه و حقوق*، ش ۹ (۱۳۸۵).
۱۵. برهانی، محسن، «انعطاف‌پذیری فقه و نظام کیفری عرفی»، *همایش بین‌المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق*، تهران، (۱۳۹۷).
۱۶. برهانی، محسن و احمدزاده، رسول، «معیارهای ناظر بر شناسایی مفسد فی الارض با تاکید بر جرایم مواد مخدر»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ش ۲ (۱۳۹۷).
۱۷. پوربافرانی، حسن، «تحلیل جرم مجاربه»، *مطالعات حقوقی معاصر*، ش ۴ (۱۳۹۱).
۱۸. پورقهرمانی، بابک و نگهدار، ایرج، «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ش ۲ (۱۳۹۷).
۱۹. حیدری، مسعود و میرخلیلی، سید محمود، «مبانی فقهی مدیریت خطر در مقابله با بزهکاری»، *پژوهش‌های فقهی*، ش ۱ (۱۳۹۷).
۲۰. رهامی، محسن، «تحول و تعدیل مجازات‌ها در نظام حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران»، *مجله اندیشه‌های حقوقی*، ش ۴ (۱۳۸۲).
۲۱. رهبریور، محمدرضا و نورمحمدی، حسین، «چالش‌های حقوقی - قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۲۲ (۱۳۹۶).
۲۲. ساداتی، سید محمدمهدی، «شرایط اعمال قاعده درء در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ش ۱۴ (۱۳۹۵).
۲۳. سینایی، پورمند؛ بیاد، جهانبخش؛ اقدامی، فاطمه، «مبانی فقهی و حقوقی اعدام در جرایم مواد مخدر»، *دانش انتظامی کهکیلویه و بویر احمد*، ش ۶ (۱۳۹۲).



۲۴. صفری، محسن و زهروی، رضا، «مطالعه تطبیقی شبهه قاعده درء در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه حقوق، ش ۲ (۱۳۸۸).
۲۵. مؤمن قمی، محمد، «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، فقه اهل البیت، ش ۳۵ (۱۳۸۲).
۲۶. موسوی مجاب، سید درید؛ احمدزاده، رسول؛ رستمی، سینا، «واکاوی سیاست جنایی قانون گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۹ (۱۳۹۹).
۲۷. میلانی، علیرضا، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در بستر تاریخ»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۲ (۱۳۸۷).
۲۸. هاشمی، سید حسین، «نقد فقهی حقوقی استقلال جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۹۲»، مجله حقوق تطبیقی، ش ۳ (۱۳۹۵).

#### – پایان نامه‌ها

۲۹. جودی خراسانی، هادی، جرایم در حکم محاربه در حقوق جزای ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۳۰. حدادزاده نیری، محمدرضا، تحول کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر و ارزیابی اثربخشی آن، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۷.

#### ب) عربی

۳۱. خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، (قم: نشر مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۳۶).
۳۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام، (قم: انتشارات داودی، ۱۴۱۸).
۳۳. شیخ مفید، محمدبن نعمان، المقنعه، (قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۱).
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تصحیح ابوالقاسم گرجی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۴۱۰).
۳۵. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۸).
۳۶. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن بن علی بن حسن، النهایه، (قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه

علمیه، ۱۴۱۵).

۳۷. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، *فقه الحدود و التعزیرات*، (قم: انتشارات دارالعلم مفید، ۱۴۲۹).

۳۸. موسوی بجنوردی، سید محمد، *القواعد الفقهیه*، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱).

۳۹. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، *الدر المنضود فی احکام الحدود*، (قم: انتشارات دارالقران الکریم، ۱۴۱۵).

۴۰. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۳، (بیروت: انتشارات دار الحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳).

#### ج) انگلیسی و فرانسوی

41.A. De Ungria, Maria Corazon; M. Jose; Jose, "The war on drugs, forensic science and the death penalty in the Philippines", *Forensic Science International: Synergy*, (2020).

42.Amnesty International, *Dead sentences and Executions 2016*, (London, United kingdom, 2017).

43.Desportes, Fredric, et Francis le Gunehec, *Droit penal general*, (paris, 9 edit, Econmica, 2008).

44.Thanh Luong, Hai, "Why Vietnam continues to impose the death penalty for drug offences: A narrative commentary", *International Journal of Drug Policy*, (2021).

45.Toghraanegar, Hasan, *La politique criminelle iranienne a Iepreuve du crime organize: L exemple du trafic de drogue*, (Editions Universitaires Europeennes, First Editon, 2015).